

مطالعه تطبیقی تربیت اخلاقی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

بنفشه مهدوی^۱، آسیه هوشنگی زاده^۲، ناصر محمدی احمدآبادی^۳

^۱ کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد برنامه ریزی

^۳ استادیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

چکیده

مقدمه : امروزه تربیت اخلاقی و رعایت آن در امر آموزش از جایگاه ارزشمندی برخوردار است تا بدانجا که کشورهای توسعه یافته و همچنین کشورهایی که در حال توسعه هستند و پله های ترقی را طی می کنند به دنبال آن هستند که در جایگاه آموزش خود تربیت اخلاقی را به عنوان یکی از مهم ترین اولویت ها در آموزش به کار گیرند و نسل آینده خود را با این پیش زمینه برای فردای بهتر کشور خود آماده سازند . شاهد آن هستیم که کشورها پیشرفته در زمینه های اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی و از همه مهمتر مبحث آموزش به طور مستمر و پیوسته در حال پیشرفت هستند به طوری که بتوانند برای آینده کشور خود و همچنین پیشی گرفتن از سایر کشورها در عرصه آموزش قدرتمند تر از بقیه کشور ها ظاهر شوند . هدف اصلی پژوهش بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است در واقع مشکل اصلی نبود شرایط الگوها و روش هایی است که در کشورهای توسعه یافته به کار گرفته می شود تا فراگیران از لحاظ تربیت اخلاقی برای آینده کشور خود مفید واقع شوند. روش ها: این پژوهش به شیوه توصیفی و همچنین مروری صورت گرفته است و در این زمینه از ابزاری همچون منابع کتابخانه معتبر و مقالات معتبر در پایگاه های علمی کشور و ... استفاده گردیده است. یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که امر تربیت اخلاقی آموزش در کشورهای توسعه یافته به نسبت کشورهای در حال توسعه از جایگاه بالاتری برخوردار است و همچنین کشورهای در حال توسعه از لحاظ تربیت اخلاقی در آموزش از جایگاه نسبتاً بهتری نسبت به کشورهای توسعه نیافته برخوردار هستند به طوری که ابتدا در مورد این پژوهش اختلاف چشمگیری میان این کشورها نبود اما پس از بررسی و اعمال نتایج حاصل اختلاف قابل توجهی از لحاظ تربیت اخلاقی و کشورها وجود داشت. نتیجه گیری: با توجه به این امر که معمولاً در آموزش باید موازن اخلاقی و همچنین تربیت اخلاقی به صورت جدی رعایت شود میتوان اشاره نمود که تربیت اخلاقی آموزش در کشورهای توسعه یافته به نحو مناسب تر و مطلوب تری نسبت به کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه در حال اجراست . همچنین باید در نظر داشت که تربیت اخلاقی آموزش یکی از مقوله هایی است که باعث میشود جایگاه کشورها از لحاظ آموزشی و تعلیم و تربیت و همچنین از لحاظ تاثیرات ناشی از آن بر سایر زمینه ها بالاتر رود ، به همین منظور پیشنهاد می شود که کشورهایی که در حال توسعه هستند همچون ایران از الگوها ، روش ها ، تجربیات و آموزش های لازم که روایی و پایایی آن ها به قطعیت رسیده با توجه به شرایط و نوع آموزش و پرورش خود استفاده کنند تا بازده و ارتقا در سطح تربیتی و آموزشی حاصل شود.

واژه های کلیدی: تربیت اخلاقی، آموزش، کشور توسعه یافته، در حال توسعه

مقدمه (بیان مسئله)

از دیرباز تاکنون توسعه یافتن مسئله اصلی کشورهای در حال توسعه بوده است. دو منبع طبیعی و انسانی عناصر اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند و ترکیب متناسب مطلوب آنها توسعه به بار می آورد. لیکن هدایت منابع طبیعی بوسیله منابع انسانی میسر است لذا ارتقای کمی و کیفی منابع انسانی بر منابع طبیعی و سرمایه در یک دوره زمانی تاثیر می گذارد. آموزش و پرورش یکی از زیرساخت های اصلی هر جامعه ای جهت رشد، توسعه و پیشرفت شهروندان محسوب می شود. اگر بپذیریم که علوم در تعیین جایگاه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یک جامعه نقش مؤثری دارد، آنگاه به اهمیت آموزش علوم و نیز لزوم همگانی کردن آن بیشتر پی می بریم. آموزش علوم و فناوری یکی از پایه های اساسی آموزش و پرورش است که تاثیر مستقیم آن در توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و افزایش سرمایه های مادی و معنوی یک جامعه به خوبی مشخص شده است. بنابراین آموزش ابزاری است که منابع انسانی را بطور کیفی ارتقا می دهد و یک سرمایه گذاری خوب محسوب میشود (زلقی و بهمنی، ۱۴۰۰).

بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و ترقی و توسعه در جوامع پیشرفته نشان می دهد که همه ی این کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمد برخوردار هستند. تبلور آموزش و پرورش در تربیت نیروهای انسانی متعهد، دانشمند، متخصص و ماهر است. در دنیای امروز که علم و تکنولوژی با رشد و گسترش وسیع و جهان شمول به عنوان عامل مهم و اساسی در فرایند رشد و توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری به حساب می آیند، نهادها و نظام های آموزش و پرورش نقش بس عظیم و پراهمیتی را به دست آورده اند. عنایت و توجه روزافزون به نوع و گسترش آموزش ضرورتی انکار ناپذیر است که ناشی از آهنگ سریع تغییرات در عرصه های مختلف فعالیت های اقتصادی، اجتماعی جوامع می باشد. ترقی و پیشرفت های علمی و تکنولوژی در دنیای امروز و سرعت تغییرات و دگرگونی در اسلوب و روش های علمی و تکنولوژی بسیار سریع و حیرت انگیز است و غفلت و عدم توجه کافی به آموزشهای لازم و مناسب و غفلت از هماهنگی و تطابق سطح کیفی و کمی و نیروی انسانی با سطح رشد علمی و فنی از هر جامعه ای نهایتاً تنگناها و مشکلات عدیده ای را فرا راه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایجاد خواهد نمود. (قوامی، ۱۳۹۶)

یکی از جنبه هایی که باعث رشد و پیشرفت هر کشوری می شود جنبه تربیت اخلاقی در دوره های آموزشی برای فراگیران است تا بتوانند با رشد کامل و صحیح وارد دنیای جدید و سرنوشت ساز خود و کشورشان شوند. عوامل بسیاری باعث توسعه یافتگی مشی شوند از جمله: رشد اقتصادی ف رشد فرهنگی، رشد اجتماعی و با یک نگاه متوجه خواهیم شد که در فضای پنهان این رشدها یک عامل اساسی وجود دارد، این عامل بحث آموزش و پرورش است که قسمت پرورش دربرگیرنده اصل تربیت اخلاقی در مقاطع تحصیلی است و دانش آموز یا فرا گیران با توجه به اینکه در این دوره ها چه نوع تربیتی را و چه حیطه های تربیتی را پشت سر می گذارند به این درک خواهند رسید که برای آینده و پیشرفت خود و کشورشان با چه مسائل مهمی روبه رو هستند، که در ادامه به تربیت اخلاقی و تاثیرات ناشی از آن بر پیشرفت، نقش آن در آموزش و از همه مهم تر چگونگی پیشبرد الگوهای توسعه یافتگی اشاره شده است.

به منظور اینکه تربیت اخلاقی در معنا و مفهوم ای درست به کار برده شود بتوان یک تعریف درست از آن به عمل آورد ابتدا باید به معنای تربیت و دین اشاره کرد. به معنای واژه تربیت به معنای پرورش دادن یا پروراندن می باشد که در واقع همان به فعلیت رساندن نیروی بالقوه است. این تعریف با توجه به اینکه صورت زیادی ارائه شده است اما برق این نکته توافق دارد که تربیت فرایندی است که نتیجه اش تغییر رفتار فرد چه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ باطنی مورد قبول هنجارهای واقع در جامعه و شرایط موجود قرار گیرد. معنای دین در واقع این لغت از واژه ی کیش، آیین طریقت و شریعت و در اصطلاح عبارت است از مجموعه قواعد و اصولی که به صورت بنیادی و همچنین به صورت کاربردی به دستور خداوند برای انسان داده شده است. (امینی و همکاران، ۱۴۰۱) تربیت اخلاقی و دینی عبارت است از فعالیت های نظام بند و برنامه ریزی شده نهادهای آموزشی جامعه به منظور آموزش بینش، منش و قالب های اخلاقی و دینی به افراد به گونه ای در عمل نیز به آنها پای بند باشند (افسون و همکاران، ۱۴۰۱)

هدف تربیت اخلاقی در واقع این امر است که به صورت همیشگی و دائم عدالت و حق را در ذهن و دل متری نهاده سازد و در واقع ایمان در حقیقت برای رسیدن به هدف اصلی یعنی توحید حضوری است سه هدف را به وجود می آورد. این هدف بر اساس متخصصان تعلیم و تربیت و نظریه پردازان روانشناسان به صورت زیر می باشد:

۱ - حیطه شناختی شناخت خداوند و اعتقاد به اینکه او یگانه وجود مستقل است و انسان موجودی ربطی و فقیر بالذات و همواره در محضر اوست.

۲ - حیطه عاطفی برانگیختن احساسات و هیجانات متری و ایجاد وابستگی و عشق به خداوند

۳ - حیطه حسی - حرکتی تعبد در برابر دستورات الهی و تنظیم رفتار بر اساس آن دستورها (زنگنه و جهانبازی، ۱۴۰۱)

بشر در طول زندگی خود به کانون احتیاج دارد که علاوه بر اینکه به نیازهای درونی او پاسخ می دهد او را به آرامش برساند. اعتقادات به خدا دین و مذهب نیاز متافیزیکی محسوب می شود، از لحاظ روانشناختی قابل بررسی است که قدرت بزرگی به انسان می بخشد و همچنین در بحران هایی که ممکن است برای انسان پیش بیاید و در فراز و نشیب زندگی دچار مشکل شود او را قادر می سازد تا به یک ساحل امن برسد. بنابراین تربیت دینی از ضروریات یک جامعه انسانی محسوب می شود و همچنین بر اساس معیارها و مفاهیم دینی پایه های اصلی آن شکل می گیرد. هرگاه در مورد مسائل روز دنیا و همچنین معنا و مفهوم اخلاقی و تربیتی درست و غلط نگاه داشته شود و به صورت ناب جام مورد استفاده قرار گیرد آسیب هایی در تربیت دینی آشکار می شود از لحاظ آسیب شناسی حوزه اندیشه، دین و مفهوم یک عبارت جدید حاصل می شود به عبارتی وسعت آسیب ها و مشکلاتی که به وجود آمده را در سطح جامعه در نظر می گیرد. (عسکری و هکاران، ۱۴۰۱) ویلیام جیمز معتقد است انسان با رجوع به دین آرمش و سرور خاصی پیدا می کند. وی از جمله روان شناسانی است که نگرش مثبتی به دین داشته است و مذهب را به عنوان یک موضوع مستقل و حائز اهمیت مورد توجه قرار داده است و درباره آن نظریه پردازی کرده است (حسین زاده، عزیزی و شوقی ۱۳۹۱)

تربیت اخلاقی در ۴ حوزه بسیار مهم دخیل می باشد که در واقع تربیت اخلاقی نقش اساسی در این حوزه ها ایفا می کند تا رهنموهای اصلی تربیت اخلاقی در زمینه هایی همچون فلسفی، جامعه شناختی، روانشناختی و فرهنگی شناخته شود و از این تربیت در زمینه های مختلف افراد به درستی بهره مند شوند.

مبانی تربیت اخلاقی

۱. مبانی فلسفی

فلسفه تربیت دینی به تحلیل های عقلی و فلسفی در زمینه مفهوم ها و گزاره های علمی تربیت دینی می پردازد و این امر به معنای این نیست که لزوماً دیدگاه هایی که توسط اندیشمندان حوزه تربیت دینی به ظهور پیوسته باشد و در واقع مجموعه ای از باورهای اخلاقی از مجموعه اصول اخلاقی صورت کلی به شمار می رود که با تغییر شرایط در دوره های خاص دستخوش تغییر می شود که به همین علت باید توجه داشت که شرایط و پیامدهای فعالیتی خود درستی و نادرستی را برای خویش و نوع عملکردش اتخاذ کند و در این روند هیچ کس نمی تواند به یک خط مشی تصمیمی در اختیار او قرار دهد و در نهایت آموزش اخلاقی که بر تفکر انتقاد گرایانه تاکید دارد، ارزش ها را بیشتر به صورت کنش گرایانه می نگرند تا اصول رهنمودی و ضمن تاکید شدید در نسبت آنان برآمده از خانواده و فرهنگ می پردازد. (حقیقت و مزیدی ۱۳۸۷)

۲. مبانی روانشناختی

از نظر کلبرگ مسائل اخلاقی با رفع نیازهای اجتماعی در ارتباط هستند به همین دلیل تمامی آنها در سیطره عدالت قرار می گیرند که در این زمینه کلبرگ نظریه رشد شناختی اخلاقی پیازه را ادامه می دهد. در واقع اساس این نظریه ریشه در دیدگاه

عقل گرایی و وظیفه گرایی کانت و پیروان او دارد او عقیده دارد و تاکید می کند بر اصول جهان شمولی و وجدانی در افراد را پذیرفته است که از این رو کلبرگ اخلاق را با عدالت تبیین می کند و قضاوت های اخلاقی کودکان و نوجوانان را متضمن از یکسری برداشت های متفاوت می داند که در سطوح مختلف بالاترین سطح آن به منزل دست یافتن به حقوق مساوی و جهان است. (حسین پور، ۱۳۹۹)

۳. مبانی جامعه شناختی

دین کارکردهای مختلف را برای جامعه و فرد به انجام میرساند دین برای جامعه معنایی از اجتماع و اجماع را بوجود می آورد و آن را تحکیم میبخشد رفتارهای ضد اجتماعی را منع نموده و راه هایی را برای انجام دوباره متخلفین پیشنهاد میدهند. دین برای مارکس اساساً به عنوان نهادی محافظه کار تلقی میشود که تحمل را آسان جلوه دهد و هیچ تلاشی برای رفع و دفع آن صورت نگیرد جامعه شناسان دین را به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی مهم که هم به لحاظ افراد و هم به لحاظ جوامع دارای اهمیت معنا داری است مطالعه می کنند دین به مردم در رویارویی با بحرانها و مرگ کمک نموده منبعی برای ارزش های اجتماعی فراهم میکند و بر گزینش های فردی در بسیاری از زمینه های زندگی روزمره تاثیر می گذارند. دین همچنین یک رفتار گروهی است هنگامی که باورها و آداب و دانش بشری امر مشترک میان مردم باشند از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار میشوند فرق و گروه های دینی از ساختارهای نژادی اقتصادی منطقه ای و قومی و جمعیت هایی که آنها را حمایت می کنند تأثیر می پذیرند دین با اصلاح باورها و اعمال و مناسک خود را با گرایش ها و موقعیت های متغیر را همسازی میکند (بالوی و بیات، ۱۳۹۴)

۴. مبانی فرهنگی

از جمله مهمترین چالش هایی که در رابطه با تعلیم و تربیت به طور کلی و تربیت دینی به طور اخص با آن مواجه است. تغییر در ساختارهای سیستمی است که تعلیم و تربیت معمولاً خود را با آن سامان میداده است در گذشته تربیت دینی می توانست صرفاً خود را به ارائه تعلیمات یک دین خاص منحصر سازد به گونه ای که به نفوذ اندیشه های سایر ادیان در این تعلیمات امکان پذیر نباشد. به همین دلیل تربیت دینی صرفاً منحصر به ارائه تعالیم و ارزش های یک دین خاص بود اما امروزه به دلیل به هم پیوستگی و تعامل جهان گستر فرهنگ ها و تضعیف مرزهای فرهنگی، ملی و سنتی، مقوله تربیت دینی مبتنی بر ساختار تعیین انحصار دیگر قابل اعمال نمی باشد به همین دلیل ضرورت دارد که تربیت دینی رویکرد خود را مبتنی بر رویکرد تکثر گرایی فرهنگی انتقادی و با رویکرد شمول گرایی به معنای مورد نظر قرار دادن ساسر ادیان و فرهنگ قرار دهد. در نتیجه از این نظر می بایست ارزشها و اندیشه های مطرح در سایر ادیان به نحوی منطقی، خردمندانه منتقدانه و با سعه صدر در تعلیمات دینی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد (اسماعیلی و صیف، ۱۴۰۰)

مولفه های موقر بر تربیت اخلاقی در آموزش

اراده آزاد از آنجایی که انسان دارای نیروی عقل اراده و اختیار است قطعاً در مقام انتخابگری و التزام عملی در امر تربیت اخلاقی و دینی نباید او را با اکراه و اجبار واداشت حریت به معنای آزادگی و آزاد منشی است؛ بیرون شدن از بندگی مخلوقات و بریدن از تعلقات است بنابراین مربی در امر هدایتگری باید فعالیتهای تربیتی خویش را چنان تنظیم کند که متربیان منشی آزاد بیابند و از شخصیتی مستقل برخوردار گردند (ابراهیمی و گل هاشم، ۱۴۰۱)

الگودهی در مکتب حیات بخش اسلام نقش معلم در رفتار و تکوین شخصیت دانش آموزان بسیار با اهمیت معرفی شده است؛ از این رو اولین ویژگی که در دین برای معلم و مربی آمده است آغاز تربیت از خود معلم و مربی است. دومین ویژگی و شرایطی که دین برای معلم و مربی قائل شده الگو بودن معلم برای دانش آموز است؛ زیرا به میزان قابل توجهی شخص تربیت پذیر محتاج یک الگوی زنده و موفق است تا بتواند در عمل با مشاهده و مقایسه نقاط ضعف خویش را دریابد. سومین ویژگی که دین

برای معلم و مربی تجویز نموده این است که معلمان باید از کرامت و احترام شایسته ای برخوردار باشند تا امکان تربیت اخلاقی و دینی دانش آموزان فراهم شود از آن رو اخلاق شایسته معلمان اخلاقی و دینی و اولیای امور تربیتی اثر بسیار مطلوبی در ایجاد انگیزه و رغبت دانش آموزان به مسائل اخلاقی و دینی دارد (سعادت‌مند و بهادران ۱۳۹۱)

محبت و مهرورزی نیروی محبت از نظر تربیتی نیرویی عظیم و کارساز است و بهترین تربیت آن است که به این روش تحقق یابد. زیرا با فطرت و سرشت آدمی سروکار دارد و پذیرش آنها از ناحیه درون و بدون هیچ گونه تحمیلی است. ضرورت واقعیت بکارگیری روش محبت از این روست که محبت اطاعت آور است و سبب همسانی و همراهی فرزندان با والدین و مربی می شود (نصیری ایزدی، معز فلاحی و شمخانی ۱۳۹۱)

آداب و عبادات مذهبی چون پاسخی به عالیت‌ترین نیازهای معنوی است اگر به طور طبیعی و با جلب رضایت قلبی ارائه شود. احساس خوشایند را در آنان بر می انگیزد و مرتبی آن را به راحتی جذب میکند چرا که عواطف و احساسات، مهمترین نقش را در تکوین رشد و پرورش شخصیت جوان و نوجوان دارند بدیهی است زمانی که کودکان و نوجوانان در معرض یادگیری و آموزش احکام و عبادات قرار دارند لازم است برای این موضوع زمینه سازی شود تا همراه با آموزش احساس خوشایند در او ایجاد گردد و در تربیت نتیجه ای مطلوب به بار آورد (ابراهیمی و گل هاشم، ۱۴۰۱)

تکریم شخصیت در تربیت اخلاقی و دینی شناساندن خوبیها و نکوهش زشتیها و بالا بردن درک اخلاقی و دینی از مفاهیم و اصول تربیت مذهبی اگر همراه با تکریم شخصیت مخاطبین صورت پذیرد منجر به تقویت ارزش های معنوی و سست کردن ارزش های ناهنجار و نکوهیده میگردد. تکریم مخاطبین خصوصاً نوجوانان و جوانان باید به صورت انعطاف پذیر، مهربانی و دلسوزی نشان داده شود چرا که تکریم شخصیت تنها صفت کلامی نمیباشد بلکه در برخوردها نیز لازم است چرا که با نرمی و مهربانی و احترام به شخصیت است که مردم و خصوصاً نسل یاد شده به سمت ارزشها راغب تر میشوند و به تجربه ثابت شده است که با اکراه و اهانت و تهدید نمیتوان کسی را هدایت کرد (خضرزاده و همکاران، ۱۴۰۰)

چالش های تربیت اخلاقی و دینی در آموزش

در این بخش برخی آسیب های تربیت اخلاقی و دینی در حوزه تعلیم و تربیت کشور که شناخت آن برای برنامه ریزان آموزش و پرورش به منظور آشنایی با آفت های راه یافته در فرهنگ و آموزه های اخلاقی و دینی ما امری حتمی است. پرداخته شده است که به شرح ذیل میباشد:

بی توجهی به عواطف هنگامی که دانش آموزان را در یک فضای اخلاقی و دینی تربیت میکنیم خود به خود بر اساس آموزه های اخلاقی و دینی انسانی امیدوار بار می آید و دچار یاس و سرخوردگی نمیشود؛ چون دانش آموزان به ویژه نوجوانان عاطفه ای نسبتاً فعلیت یافته دارند بنابراین سیر تربیت را باید از عواطف آغاز کرد تا اعتقادات درونی و عمیق شود و در قلب های فراگیران ریشه بدواند آنگاه با برهان های عقلی میتوان عواطف را آرایش پیرایش و تعدیل کرد بیشتر کتاب های درسی ما از این دید با اشکال روبرو است چون از آغاز عقلانیت را سنگ بنای آموزش قرار میدهند و با برهان و استدلال می خواهند خدا را برای نوجوانان اثبات کنند در حالی که اگر از عواطف و احساسات و هیجانات روحی و تبلورهای فطرت برای جوانه زدن این باور اخلاقی و دینی در قلب استفاده شود و در مرحله بعد با کمک عقل به عنوان پشتوانه برای او استدلال کنیم مؤثرتر خواهد بود. بنابراین برای موفقیت در انتقال باورهای اخلاقی و دینی و شناخت نیازهای مخاطبان به ویژه نیازهای عاطفی آنها که مهمترین نیاز هر فرد است نقش بسیار مهمی دارد (رستمی پور، ۱۴۰۱)

ضعف پاسخگویی به پرسش های نوجوانان در مقطعی از سن نوجوانی تردیدها و شبهاتی نسبت به برخی مسایل اعتقادی در آنان ایجاد میگردد از سوی دیگر در پرتو تهاجم فرهنگی موجی از شبهات در عرصه های مختلف اخلاقی و دینی جوانان را مورد هجوم قرار میدهد این شبهات و پرسش ها به قول شهید مطهری گذرگاه های خوبی هستند اما دوام آنها و عدم پاسخگویی به آنها موجب تزلزل در عقاید و اندیشه های اخلاقی و دینی آنان میگردد و پایه های تربیت اخلاقی و دینی آنان را سست میکند (رستمی پور، ۱۴۰۱)

فقدان برنامه جامع تربیت اخلاقی از دیگر آسیب های تربیتی نظام آموزش و پرورش این است که اغلب اصرار داریم معلومات معین و مشخصی را که گاه نمی دانیم تا چه حد اخلاقی و دینی است به ذهن دانش آموزان وارد کنیم و میپنداریم با تعلیم آنها بچه ها متدین میشوند و هر سال نیز مضامین کتاب های درسی را تغییر میدهیم و باز سال بعد می بینیم این تغییر فایده است. ما معمولاً دینداری را با اجرای آداب و رسوم اخلاقی و دینی یک میدانیم. البته دین بدون مناسک، آداب و عبادات معنا ندارد؛ اما اخلاقی و دینی که منشأ آثار اجتماعی و فرهنگی میشود چیزی بیشتر از عادات اخلاقی و دینی است. از طرف دیگر معمولاً در کتاب های اخلاقی و دینی مطالب تکراری و رسمی را تعلیم میدهیم و اصولاً تلاش بر این است که معلومات رسمی اخلاقی و دینی عرضه شود و کاری به پرورش ذوق اخلاقی و دینی دانش آموزان نداریم (عالی فر، ۱۴۰۰)

ضعف کتاب های درسی از جمله عوامل تأثیرگذار در عرصه تربیت اخلاقی و دینی مواد آموزشی اخلاقی و دینی و اخلاقی در مقاطع مختلف تحصیلی نظام آموزش و پرورش ما است. این متون در صورتی که از شرایط مناسب از قبیل قوت متن متناسب بودن با مقاطع سنی و تحصیلی و پاسخگو بودن به نیازهای اخلاقی و دینی و شیوه تدریس صحیح برخوردار باشند می توانند نقش قابل توجهی در تقویت باورهای اخلاقی و دینی و پای بندی به احکام عملی و رفتارهای اخلاقی دانش آموزان داشته باشند ولی آیا این شرایط در نظام آموزش و پرورش ما آن گونه که بایسته است مورد توجه قرار گرفته است؟ (رستمی پور، ۱۴۰۱)

ظهور تردیدهای مذهبی ویژه دوره نوجوانی شک و تردید نسبت به اعتقادات شخصی خویش شک و تردید نسبت به او شک و تردید نسبت به معارف و شناخت خود نسبت به پیامبران و از مهمترین شک های مذهبی این دوره نزد نوجوانان و جوانان است. دلیل اصلی این شک و تردیدها این است که نوجوان میخواهد نسبت به صحت و سقم آنها اعتقاد و اطمینان پیدا کند. نوجوان در این دوره سنی نمیتواند شک خود را به راحتی با دیگران مطرح کند؛ زیرا پیش بینی میکند که ممکن است به او نسبت کفر و بی اخلاقی و دینی بدهند مشکلات اخلاقی و دینی از همین جا آغاز میشوند؛ زیرا نوجوان یا جوان شناخت کاملی از مسائل اخلاقی و دینی ندارد و قادر نیست خود را قانع کند لذا برای بر طرف کردن سؤالات شرعی خود ممکن است به افراد ناصالح افراطی و کجرو رجوع کند در این صورت ممکن است او از لامذهبی و بی بندوباری و بی خدایی سر در آورد و روح پاک او به انحرافات اخلاقی حتی انحرافات اخلاقی و دینی دچار شود (بهادران، ۱۳۹۲)

ضعف بهره مندی از معلمان متخصص باید در امر آموزش و تربیت اخلاقی و دینی کاری کرد که به رفتار اخلاقی و دینی بینجامد و این رفتار برخاسته از ایمان و باور قلبی و درونی باشد. اگر دانش آموزان از همان روزهای اول حقایقی را که از لحاظ ایمان و عمل و اعتقاد در کتاب های درسی می آموزند در شخصیت معلم اخلاقی و دینی نبینند مثل این است که چیزی را آزمایش کنند اما خلافش را ببینند معلمان اخلاقی و دینی باید فکورترین و فهیمترین معلمان در مجموعه آموزش و پرورش باشند. اگر معلمان اخلاقی و دینی ما افراد اهل مطالعه و دارای قدرت تفکر بالا باشند دانش آموزان جذب آنها می شوند و ایشان را الگوی علمی و عملی خویش قرار میدهند (رستمی پور ۱۴۰۱)

اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از مباحث مهم و حائز اهمیتی که در تربیت اخلاقی آموزش در کشورهای توسعه یافته همچون آمریکا و انگلستان و ژاپن چین وجود دارد در مقایسه با کشورهای در حال توسعه همچون ایران و یا عربستان از لحاظ مطالعات تطبیقی و شناخت هرچه بیشتر نمونه های آموزشی در این کشورها و الگوبرداری از چگونگی پیشرفت کشورهای توسعه یافته در زمینه های تربیت اخلاقی در آموزش یک مولفه بسیار مهم برای رشد و توسعه در این زمینه می باشد.

در بحث تربیت اخلاقی و مقایسه آن در کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته ، تربیت اخلاقی از چهار جنبه جامعه شناختی ، روانشناختی ، مبانی فرهنگی و مبانی فلسفی قابل بررسی است پس یکی دیگر از علت های اهمیت این پژوهش شناخت این چهار حوزه در مورد تربیت اخلاقی می باشد.

از جمله علل و اهمیت ها این پژوهش اشاره به مولفه های تاثیرگذار بر تربیت اخلاقی در امر آموزش چه باید این مولفه ها ابتدا شناخته شوند سپس در مورد این مولفه ها اطلاعات لازم به دست آورده شود و از این مولفه ها برای رشد در زمینه ی ایجاد تربیت اخلاقی در امر آموزش به طور کامل استفاده کرد.

در بحث پژوهش در زمینه مقایسه تربیت اخلاقی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه خلایقیت و نوآوری یکی از مهم ترین دلایل ضرورت انجام پژوهش است به این منظور که کشورهای در حال توسعه با روش و شیوه تربیتی در کشوره های توسعه یافته آشنا می شوند ، این آشنایی به این زمینه ختم نمی شود و در سطوح بالاتر کشورهای در حال توسعه با ایجاد یک کارگروه متشکل از افراد زبده ، ماهر و تحصیل کرده این روش ها و الگوها را تجزیه و تحلیل می کنند و علل موفقیت را پیدا می کنند ، اما نکته بسیار مهم دیگر که خود نوآوری و خلایقیت این پژوهش را نشان می دهد اشاره به این امر است که باید بعد از تجزیه و تحلیل و دستیابی به این موارد تطبیق بین سطح ، نوع و زمان و..... آموزش و تربیت در کشور توسعه یافته و در حال توسعه صورت گیرد. از دیگر نوآوری های پژوهش اشاره به شناسایی موازین اخلاقی و تربیتی فراگیران چند کشور به طور همزمان و مقایسه با سایر کشورهاست . بحث مقایه و تحلیل تربیت اخلاقی فراگیران از چند کشور جهان در نقاط مختلف ونیز اهمیت پژوهش را نشان می دهد.

با انجام این پژوهش شناخت از تربیت اخلاقی و رویکرد هایی که مرتبط با تربیت اخلاقی هستند در کشورهای توسعه یافته همچون آمریکا و انگلیس و کشورهای پیشرفته دیگری همچون چین و ژاپن و کشورهای در حال توسعه همچون ایران و عربستان در این زمینه آشنا شدیم و تا حدودی با عوامل دیگری همچون دین و مذهب و عوامل دخیل در تربیت اخلاقی در این کشورها آشنایی کافی به دست آمد و اما در صورت اینکه اگر این پژوهش انجام نمی شد می توان گفت به این نتیجه نمیتوان رسید که تربیت اخلاقی و سرشاخه های آن با تعجب به عواملی که در در این مقوله نقش مهم و اساسی دارند چگونه باعث پیشرفت و توسعه یک کشور می شوند و جایگاه این تربیت اخلاقی در زمینه های دیگری همچون زمینه های سیاسی و فرهنگی و همچنین سیاسی اجتماعی و..... به چه صورت می باشد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی

شناخت مطالعه تطبیقی تربیت اخلاقی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

اهداف جزئی

۱. شناخت رویکردها و نگرش های تربیت اخلاقی
۲. مقایسه میزان تاثیرات اخلاق تربیتی در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت
۳. شناخت نقاط قوت و ضعف در امر تربیت اخلاقی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

فرضیات پژوهش

۱. میان تربیت اخلاقی و توسعه یافتگی آموزشی رابطه معنی دار وجود دارد.
۲. میان تربیت اخلاقی و مذهب و دین رابطه معنی دار وجود دارد.

پرسش های پژوهش

۱. مولفه های تاثیرگذار بر تربیت اخلاقی کدام اند؟
۲. چالش هایی که تربیت اخلاقی با آن مواجه است ، کدام اند؟
۳. معیار ها و ملاک های تربیت اخلاقی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه کدام اند؟

تحقیقات انجام شده

مرتضی زاده و عابدی (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی آموزش و پرورش فراگیر در ایران با نگاهی تطبیقی بر سایر کشورها، ضمن بررسی و مقایسه آموزش و پرورش و آموزشی که در آن صورت می گیرد، در چندین کشور معتبر از لحاظ پیشرفته بودن در امر تعلیم و تربیت مانند ژاپن و کره جنوبی و مقایسه تطبیقی آنها با ایران اشاره می کند.

صمدی و کریمی (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش پیش از دبستان ایران و نیوزلند با در نظر گرفتن اسناد بالادستی و نقشه راه ترسیم شده در آموزش و پرورش هر دو کشور مشخص می شود. روش پژوهش از نوع تطبیقی بود و نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد با توجه به مسائل مطرح شده در دوره اول کودکی در کشور نیوزلند به عنوان یکی از کشورهای موفق در عرصه آموزش در مقایسه با ایران فقدان متولی ملی، یکپارچگی مدیریت و نبود آموزش رایگان است

خیر آبادی و هکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی تحت عنوان نگاهی به آموزش و پرورش در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها به نتایج موردی اشاره میکند که در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته جهان امروز با توجه به کارایی و ضرورت دستگاه تعلیم و تربیت در مسیر رشد اخلاقی و تربیتی در آموزش و پرورش با سرعت بیشتری نسبت به سایر کشورها رشد کرده و گام بر می دارد

ابراهیمی و خوش چهره (۱۳۹۷) در تحقیقی تحت عنوان بررسی تطبیقی آموزش و پرورش کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به کیفیت آموزش و پرورش همواره از جمله دغدغه های اصلی نظام های آموزش و پرورش در اغلب کشورهای دنیا بوده است. نقش سرمایه انسانی در توسعه اقتصادی، رشد بهره وری، و نوآوری به طور روزافزونی مورد تأکید قرار گرفته و از این طریق، اختصاص یارانه یا سوبسید دولتی برای آموزش، مهارت آموزی و آموزش حین کار توجیه می شود. در این پژوهش سعی داریم ضمن معرفی ویژگی های کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، چالش های آموزشی عصر جدید را در این کشورها بررسی نماییم. همچنین با عنوان کردن آموزش و پرورش به عنوان یکی از مؤلفه های سرمایه انسانی، ویژگی های عمومی آموزش و پرورش در ایران و کشورهای منتخب را بررسی نموده و شاخص های اقتصادی در این کشورها را به صورت تطبیقی مقایسه نماییم. هدف اصلی از انجام چنین مطالعه ای این است که آموزش و پرورش به عنوان یک سرمایه گذاری ملی پربهره در بین دولتمردان و سیاست گذاران مطرح شود و به آموزش و پرورش از آن جهت که باعث رواج بازار علم شده و با بارور ساختن اندوخته های علمی و فنی جامعه منجر به رشد اقتصادی می شود، توجه بیشتری شود.

کیان (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان جایگاه تربیت اخلاقی در فرهنگ آموزشی و برنامه درسی به صاحب نظران تربیتی، مساله تربیت اخلاقی را از نیازهای ضروری هر جامعه می دانند که غالباً به فرهنگ خانواده و همچنین فرهنگ آموزشی آن جامعه مرتبط می شود. تربیت اخلاقی، به ویژه از دوره کودکی و نوجوانی، برای والدین و برنامه ریزان آموزش و پرورش مسوولیت آفرین است و کیفیت تحقق آن می تواند برای فرد، خانواده و جامعه سرنوشت ساز باشد. هدف مقاله حاضر بررسی جایگاه تربیت اخلاقی در فرهنگ آموزشی و برنامه درسی نظام آموزش و پرورش ایران بود. از روش تحقیق تحلیلی - استنتاجی استفاده شد. یافته های مقاله حاضر، موید مولفه های اثرگذار بر تربیت اخلاقی است. همچنین، به منظور تبیین کارکردهای تربیت اخلاقی، برخی از مبانی فلسفی، روانشناختی، جامعه شناختی و فرهنگی تشریح شد. در ادامه، چالش های تربیت اخلاقی در بین نوجوانان مورد کنکاش قرار گرفت. در نهایت، به منظور بهبود روند تربیت اخلاقی دانش آموزان در نظام آموزشی کشور، راهکارهای پیشنهادی ارائه شد. در مجموع می توان اذعان داشت که تربیت اخلاقی در فرهنگ خانواده شکل گرفته و ادامه می یابد و پس از آن، در فرهنگ آموزشی و برنامه های درسی در موسسه های تربیتی، کامل می شود. نقش و اهمیت برنامه های درسی در رشد تربیت اخلاقی بسیار حساس است و فقدان برنامه ریزی کارآمد، رشد تربیت اخلاقی در بین نوجوانان را با چالش

مواجه می کند. محیط تربیتی سالم و کار آمد و به ویژه نقش مربیان که ناظر تربیت اخلاقی نوجوانان هستند، در کنار تاثیرگذاری رسانه های جمعی، گروه همسالان و شبکه های مجازی، در نحوه تحقق این هدف، بسیار نقش دارند.

ملکی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان مطالعه تطبیقی تربیت اخلاقی کشورهای ایران، چین و آمریکا در عصر معاصر در آموزش عالی که در این مورد اشاره می کند به اخلاق یکی از مؤلفه های اصلی دوام و قوام جوامع بشری است و استحکام نظام اخلاقی هر جامعه، وابسته به نظام ارزشی حاکم بر آن است. هدف از تحقیق حاضر بررسی رویکردهای تربیت اخلاقی در سه کشور ایران، آمریکا و چین به طور کلی و در آموزش عالی است. روش تحقیق این پژوهش کیفی و از نوع پیمایش تطبیقی است و داده های مورد نیاز از طریق اسناد و مدارک کتابخانه ای، گزارش های تحقیقی و جستجو در شبکه جهانی اینترنت به دست آمده است و با استفاده از الگوی بردی که چهار مرحله توصیف، تفسیر، هم جویی و مقایسه را در مطالعات تطبیقی مشخص می کند؛ پس از بیان واقعیت های تربیت اخلاقی نقدوار به نقاط اشتراک و افتراق و نقاط ضعف و قوت هر کشور در این زمینه می پردازد. بررسی یافته ها نشان می دهد تمامی رویکردها به نوعی از مذهب یا دین رایج هر کشور نشأت می گیرد و مراحل رشد اخلاقی در رویکردهای غیر اسلامی بخصوص رویکرد شناختی ثابت و بدون تغییر هستند حال آنکه اسلام قوانین و احکام اخلاقی را مطلق و واقعی می داند و به جز اسلام سایر رویکردها تنها به یک جنبه خاصی از تربیت اخلاقی تأکید می کنند.

آزاد منش و حسینی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل تطبیقی اهداف تربیت اخلاقی دوره ابتدایی در کشورهای ژاپن و ایران، با نظر به ارزش های حاکم بر برنامه درسی مساله اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی اهداف تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی در دو کشور ژاپن و ایران با نظر به ارزش های حاکم بر عناصر و مولفه های برنامه درسی است. بدین منظور از روش تحلیل تطبیقی استفاده شده است. تربیت اخلاقی در نظام تعلیم و تربیت رسمی دو کشور ایران و ژاپن از دو جهت قابل بررسی تطبیقی است: نخست، بررسی تطبیقی، کلی و با نگاهی کلان، و دوم، بررسی تطبیقی جزئی. از جمله یافته های بررسی کلی این است که اهداف تربیت اخلاقی دو کشور در چهار حوزه، شبیه به هم تنظیم شده اند که در برنامه درسی کشور ایران این حوزه ها عبارت اند از: رابطه با خویشتن، رابطه با خدا، رابطه با سایر انسان ها و رابطه با خلقت؛ و در برنامه درسی کشور ژاپن نیز عبارت اند از: واکاوی خود، رابطه با طبیعت و داشتن افکار برتر، رابطه با دیگران و رابطه با گروه و جامعه. البته گفتنی است که در برنامه درسی کشور ایران، خداوند نقش محوری دارد و دیگر حیطه ها متناظر با آن تنظیم شده اند. اما بررسی تطبیقی جزئی که تمرکز آن بررسی تک تک اهداف مرتبط با تربیت اخلاقی در نظام تعلیم و تربیت رسمی در این دو کشور در دوره ابتدایی است، به سه بخش تقسیم می شود: نخست اهدافی که با هم هم پوشانی دارند، از جمله اینکه «کودک مودب و مهربان است» و «برای رسیدن به موفقیت پشتکار دارد و تلاش می کند»؛ دوم اهدافی که ویژه کشور ایران هستند و در اهداف تربیت اخلاقی کشور ژاپن به آنها اشاره نشده است، از جمله اینکه «پوشش اسلامی را دوست دارد و آن را رعایت می کند» و «خطا و اشتباه دیگران را در مورد خود می بخشد»؛ و سرانجام اهدافی که ویژه کشور ژاپن هستند و در اهداف مرتبط با تربیت اخلاقی کشور ایران به آنها اشاره نشده است؛ از جمله «احترام به دیگر فرهنگ ها و ارزش قایل شدن برای مردمان دیگر ملل» و «مشارکت گروهی و مسوولیت پذیری.»

مبانی نظری

۱. در دو کشور آمریکا و انگلستان در اواخر قرن ۱۹ و ۲۰ توجه زیادی به رویکردهای تربیتی و اخلاقی ایجاد شد، این رویکرد ها که به عقیده جان دیویی که به عقیده به عنوان عادات متقابل تعریف می شود ؛ که در زمان وقوع جنگ جهانی دوم با افول و کاهش روبه رو شد و باعث ایجاد اختلال در تربیت جوانان گشت. با توجه به تحولاتی که در دهه ۱۹۶۰ ایجاد شد تا حدودی پاسخگویی به نیاز جوانان حل شد. ؛ تربیت اخلاقی است . مطالعات فریجی در عصر حاضر در غرب واژه تربیت اخلاقی به شدت

از روان شناسی شناختی تأثیر گرفته است؛ مبنای این رویکرد به جنبه های ذهنی اخلاق و ارزشها تأکید می کند و بر گفته از نظریات پیاز و لورنس کهلبرگ (۱۹۷۱-۱۹۷۶) است و تحت تأثیر نظریه های فلسفی و روان شناختی سکولار و نسبیت گرا پدید آمد به زعم متفکران شناخت گرا تربیت اخلاقی تلاشی است در جهت توسعه ساختارهای شناختی اخلاق رویکرد شناختی ایده های سنتی در مورد، رسش انگیزه و رفتار اخلاقی را به چالش کشیده و برخلاف دیدگاه سنتی غرب که اخلاق را تابع فرهنگ میداند.

التزام به قوانین اجتماعی اصل اساسی رشد اخلاقی است؛ پس همه اصول جهانی شامل مفهومی از عدالت است؛ عدالت به این معنی است که ما به راه حلی برسیم که هر کس آن را مناسب بیابد و راه حل مناسب هنگامی به دست میآید که هر کس بیطرفانه خود را به جای دیگران فرض کند. در واقع در این دو کشور توسعه یافته تربیت اخلاقی به عنوان یک اصل مدنی در نظر گرفته شد که تحقیقات نمایان می کند که بین دین و مذهب با تربیت اخلاقی و تربیت آموزشی ارتباط قوی وجود دارد. مانند روش حزب محافظه کار با حزب لیبرال که به آزادی، فردی عقلانیت پایا و تساوی حیثیت و (حرمت قائل است؛ در آموزش اخلاقی بسیار متفاوت است. حزب لیبرال اعتقادی به دخالت نظام آموزشی در امور دینی ندارد. اخلاقیات لیبرالی اساساً وابسته به امیال و تمنیات انسانی است؛ زیرا به اعتقاد لیبرالها خردمندانه ترین و واقع گرایانه ترین شیوه قبول این مطلب است که هر کس آنچه را دوست دارد «خوب» و از آنچه متنفر است «بد» نامد. در نتیجه به ارزشهایی چون آزادی فردی خود شکوفایی فردی در تربیت اخلاقی بی طرفی و تساهل نسبت به ارزشهای دینی و در یک کلمه تحقق سکولاریسم تأکید دارد. بنابراین بر اساس رویکرد آموزشی، لیبرال تعلیم و تربیت تعهد به عقلانیت است نه کمتر و نه بیشتر برای آموزش و رشد عقلانیت در کودکان باید آنها را منتقد و آزاداندیش بار آورد؛ به گونه ای که هر عقیده ای را انتقاد و تحول عقلانی بدانند و هیچ امری را حقیقت آخر نپندارند. بر اساس این رویکرد انتقال و القای ارزشها به دیگران در مبنای تعلیم و تربیت لیبرال پذیرفته نیست؛ و تربیت اخلاقی تنها باید درصدد رشد استدلال اخلاقی و قدرت انتخاب باشد و هرگز به معرفی ارزش های معینی به عنوان فضایل اخلاقی نپردازد (زارعان ۱۳۹۱، ۱۲) در این زمینه کهلبرگ میگوید رشد فردی ممکن است به دنبال یک نوع بینش یا درک کلی فراتر از قضاوت اخلاقی و رفاه اجتماعی حاصل گردد (لو و لوپس، ۲۰۱۹)

اما از آنجایی که تربیت شهروند یکی از وظایف اصلی برنامه درسی مطالعات اجتماعی به تنهایی برنامه. یا مجموعه ای از دروس در آمریکاست تربیت اخلاق بخش جدایی ناپذیر دروس عالی هست و حتی سیاستمدارانی همچون ویلیام کلینتون و جورج دبلیو بوش در زمان ریاست جمهوری خویش به این مهم تأکید کرده و میگویند تربیت اخلاق بایستی منجر به شکل گیری یک شهروند خوب گردد تربیت اخلاقی چرا که در این دیدگاه فرد یک عنصر فعالی است که به طور مستمر به ساختار بخشی و تجدید ساختار تفکر خود مشغول است در سراسر دنیا دانشگاه ها نقش بسزایی در پرورش و شکل گیری شخصیت دانشجویان دارند. طبیعی است (میلر، ۲۰۱۶) شخصیت دانشجو متأثر از فضای دانشگاه و جو حاکم بر آن خواهد بود. یکی از بزرگترین چالش های آموزش عالی تحقق بخشیدن به تربیت اخلاقی با ظهور رفتارهای نادرست علمی است (فریسی ۲۰۱۳) بعد از اینکه اثر کلیسا و مذهب در رشد اخلاق کم شد دانشگاه ها اثر مثبتی در این زمینه داشته اند (دیورا ۲۰۱۳) در ابتدا دانشگاه ها در ایالت متحده آمریکا با یک هدف خاص تربیت اخلاقی ایجاد شده بود که عبارت بود از توسعه شخصیت افراد و بعد ازان برنامه درسی آموزش عالی شامل برنامه های تخصصی تر در حوزه خودسازی و رشد اخلاقی شده اند. (عصاره و رضایی، ۱۳۹۶)

- رویکرد معاصر چین و کشورهای جنوب شرقی آسیا مانند ژاپن نسبت به تربیت اخلاقی انتقال و تربیت اخلاق در آسیا به صورت های مختلفی انجام میگیرد در ژاپن تربیت اخلاقی از طریق آموزش مستقیم و فعالیت های آموزشی و دانشگاهی خاص انجام میگیرد و بسیار مهم تلقی میشود و هدف اساسی آن حفظ و توسعه فرهنگ سنتی که منعکس کننده ارزش های دینی است میباشد. در این زمینه بین خانواده و محیط های آموزشی یک ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و پرورش روح خیر خواهی نگرانی اصلی و هدف و نهایی آموزش اخلاقی در ژاپن است چرا که در جهان امروز ما در شبکه جامعی از وابستگی متقابل زندگی میکنیم و نگرش اساسی ما در روح خیر خواهی است که ما را تشویق به ارتباط می کند (ناکامایا، ۲۰۱۲).

در چین تربیت اخلاقی مشابه کشور ژاپن است و به عنوان بخش اساسی تعلیم و تربیت محسوب می‌گردد و به رابطه سالم بین انسان و محیط طبیعی اشاره میکند و تحقیقات دانشگاهی حاکی از آن است که تربیت اخلاقی شامل سه رابطه است رابطه شخصی اجتماعی و زیست محیطی و بیان میکند که از طریق هنجارهای تربیت اخلاقی می توان روابط شخصی (فردی)، اجتماعی و زیست محیطی را در جوانان تنظیم و متعادل نمود؛ بنابراین هدف از تربیت اخلاقی در این کشور دو چیز است نیازهای اجتماعی و نیازهای فردی در زمینه نیازهای فردی تربیت اخلاقی باید به افراد کمک کند تا نیازهای شخصی خود را شناسایی کنند و درصدد برآورده کردن آن کوشش کنند. اما آنچه تربیت اخلاقی چین از آن نشأت می‌گیرد آیین کنفوسیوس و روان شناسی معنوی است. آیین کنفوسیوس همواره مهمترین منبع معنوی الهام اخلاقی بوده است؛ و میگوید «هرگاه من راه را در صبح یافتم محتوا را در عصر میدانم در اصطلاح مدرن راه به معنای حقیقت است. از نظر کنفوسیوس برخی فضایل اخلاقی عبارت اند از خیرخواهی، سخاوت، مهربانی، صرفه جویی، پشتکار و... اما روان شناسی معنوی که برگرفته از روان پزشکی کانادایی است نظر متخصصین اخلاقی چین را به خود جمع کرده است بر اساس روانشناسی مدرن وقتی مردم با محرک های محیطی منفی روبرو میشوند ممکن است به مشکلات عاطفی و حتی بیماری های روانی مبتلا شوند و در مواقعی از داروهای ضدافسردگی برای بهبود و برگشت به زندگی کمک می گیرند اما روان شناسی معنوی کمک میکند تا افراد در تماس با معنویات ظرفیت خود را جهت رشد اخلاق افزایش دهند. (زیکانگ ۲۰۱۰)

اگر چه راه های مختلفی برای انتقال و تربیت اخلاقی در این کشور وجود دارد یکی از مهمترین آنها برنامه های درسی و معلمان هستند در نتیجه مؤسسات آموزش عالی نقش بسیار مهمی در آماده سازی نسل جوان برای آینده دارند؛ آنها میتوانند با آموزش رفتار افراد را هدایت کنند (یانلینگ ، ۲۰۱۵: ۴)

در نتیجه با این ایدئولوژی تربیت اخلاقی نشأت گرفته از کمونیست را به جوانان انتقال میدهند هوجین تاتو دبیر کل کنگره ملی حزب کمونیست چین بیان میکند، که ما باید بر اساس اصول اساسی تربیت همه جانبه ،انسان در وهله اول باید در آموزش عالی به تربیت اخلاقی او به عنوان عنصر مؤثر در جامعه بپردازیم و در وهله بعد بایستی این تربیت مبتنی بر نیازهای اجتماعی حاضر چین باشد ، از این لحاظ دانشگاه ها از لحاظ تاریخی یکی از مراکز مهم نوسازی ساختار سوسیالیم با آرمانهایی چون ، صداقت اعتماد نظم و انضباط هستند؛ بنابراین در جامعه سوسیالیستی چین دانشجویان باید نمونه های خوبی در رعایت اخلاق اجتماعی در سطح جامعه صداقت احترام به افراد بزرگتر و عشق به کودکان باشند (یانلینگ ۲۰۱۵) بنابر این دانشگاه با استفاده از استراتژی کمونیسم همه جانبه سعی در بهبود کیفیت تربیت اخلاقی در بین افراد تحصیل کرده دانشگاهی می نماید و گاه علوم انسانی و مطالعات فریکی. (اکبری و عابدینی، ۱۴۰۰)

۲. رویکرد های تربیت اخلاقی ایران و عربستان که دو کشور در حال توسعه در آسیای غربی هستند با توجه به این امر که دین مبین اسلام مذهب اکثریت مردم این کشور است ، در واقع گرایشات نزدیکی به هم دارند و می توان از این ارتباط شباهت این دو کشور در زمینه تربیت اخلاقی در سطوح آموزش را در نظر گرفت. رویکرد معاصر ایران نسبت به تربیت اخلاقی آنان امروزه مهمترین دغدغه تربیتی کشور ایران به عنوان یک جامعه اسلامی دستیابی به الگوی اسلامی تربیت اخلاقی است. در واقع در ایران یک نگاه نظام مند و سامانمند به اخلاق مطرح است، زیرا نگاه فردی در حقیقت نگاه جزیره ای است که گاه میتواند مجموعه ای از آموزه های متضاد و حتی متناقض را کنار هم گردآورد ، ویژگی شاخص های رویکرد دینی و اسلامی این است که متکی به خدامحوری معنویت گرایی عقل و فطرت است. (صادق زاده، ۱۳۹۸)

مصباح یزدی: در این باره میگوید به جای اطلاق رویکرد دینی یا اسلامی به تربیت اخلاقی بایستی به آن به عنوان نظام منسجم اخلاقی نگریست؛ زیرا نظام به مجموعه ای از عناصر مربوط به هم که به دنبال هدف و یا کارکرد خاصی هستند اطلاق و این نوع اخلاق ویژگی هایی دارد که عبارت اند از: همه عرصه های حیات آدمی را در برمی گیرد در واقع به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و تمامی روابط انسان را تحت پوشش هدایت اخلاقی خود میدهد . تکالیف اخلاقی اسلامی قابل اجراست و از سخت گیرهای طاقت فرسا به دور است. منابع اخلاقی اسلامی غنی و گسترده است و قرآن کریم سرچشمه زاینده معارف

اخلاقی و سیره عملی زندگی پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت تفسیر گویایی بر آیات نورانی قرآن هستید که شرایط و چگونگی تطبیق معارف کلی اخلاق اسلام بر موقعیت های است .

گونگون زندگی فردی و اجتماعی را آموزش میدهند. از دیگر ویژگی های اخلاق، اسلامی قابلیت تطبیق آن با شرایط زمانی و مکانی مختلف است که این مشخصه از برجسته ترین جنبه های اخلاق اسلامی است چراکه هر اخلاقی در صورتی پاینده و برقرار میماند که بتواند نیازهای اخلاقی انسانها را در هر عصر و مکانی پاسخ دهد. (تاتاری، ۱۳۹۴)

..تشابهات و تفاوت های موجود در رویکردهای تربیت اخلاقی در کشورهای مورد مطالعه از آنجایی که در موضوع اخلاق در طی اعصار مختلف مکاتب و دیدگاه های بسیار متعدد و متنوعی از سوی اندیشمندان و فیلسوفان شرق و غرب پدید آمده است یادآوری و جوه افتراق و اشتراک آنان، مربیان تربیت اخلاقی را یاری میدهد که آسیبها را شناسایی و راه های پیشگیری و درمان را شناسایی و طبقه بندی کنند.

الف. وجوه افتراق

-اخلاق در اندیشه ایرانی اسلامی متکی به ایمان به خدا است زیرا انسان معتقد است که خداوند متعال در سه احوال حاضر و ناظر اعمال او بوده و همیشه در خلوت جلوس و باطن یک پلیس مخفی مراقب اعمال و رفتار و کردار و حتی پندار اوست آفریننده همه آثار خداست، ما از سوی او هستیم به سوی او بازمی پایه ام و هدف آفرینش تکامل انسان در جنبه های معنوی است و پیشرفت های مادی تا آنجا که راه را برای وصول به تکامل معنوی هموار می سازد نیز هدف معنوی محسوب میگردد بنابراین معیار اخلاق از این دیدگاه تمام صفات و افعالی است که انسان برای پیمودن این راه آماده میسازد و نظام ارزش گذاری در این مکتب نیز محور ارزشهای والای انسانی و کمال معنوی و قرب به خداست (مکارم شیرازی: ۱/ ۶۱)؛ و بر اساس میزان درجات و مراتب انسانها برای آنان برنامه و اصول اخلاقی خاصی طراحی شده است. در آمریکا تربیت اخلاقی در حقیقت به عنوان یک اصل مدنی است که از جامعه گرفته می شود و درصدد پاسخگویی به نیاز جامعه است. اما هدف از تربیت اخلاقی در چین دو چیز است نیازهای اجتماعی و نیازهای فردی؛ در زمینه نیازهای فردی تربیت اخلاقی باید به افراد کمک کند تا نیازهای شخصی خود را . و درصدد برآورده کردن آن برآیند و هدف از تربیت اخلاقی در سطح نیازهای اجتماعی هماهنگی با دیگران در سطح اجتماع است.

-ایران: کمال معنوی و قرب الهی اصلی اساسی مطلق بودن معیارها و اصول اخلاقی قائل شدن عقل و فطرت برای آدمی طراحی برنامه و اصول اخلاقی بر اساس مراتب ی ادمی، طراحی برنامه و اصول اخلاق انسانی نه به تمنیات انسان.

-عربستان: توحید و نبوت اصل اساسی و مهم در تربیت اخلاقی محسوب می گردد و راه سعادت در این مقوله دنبال می شود .

-انگلیس: در کشورهای توسعه یافته و صنعتی اصول مدنی و رعایت حقوق شهروندی از اساسی ترین موضوعات می باشد و خط مشی تربیت از این منابع سرچشمه می گیرد.

-آمریکا: اصل مدنی برگرفته از جامعه وابسته به تمنیات، انسانی ماهیت انسان گرایی و نسبی بودن اخلاق از نظر لیبرالیسم و سکولارها تأکید با عقل گرایی محض و اصالت عقل در انسان مطلق بودن اخلاق از نظر آیین مسیحیت

-چین: نیازهای فردی و اجتماعی نسبی بودن اخلاق در مذهب کمونیسم و مطلق بودن آن از نظر آیین کنفوسیوس

-ژاپن: همانند چین در کشور ژاپن نیازهای فردی و اجتماعی بسیار اهمیت دارد و بخش پاسخ گویی به این نیازها ارزشمند است .

ب وجوه اشتراک

وجه اشتراک شش کشور مورد مطالعه به نوعی ارتباط تربیت اخلاقی با دین و مذهب مورد عنایت آنان است. در ایران اسلامی که قرب الهی هدف نهایی است نظام اخلاقی اسلام با محور قرار دادن خداوند به تمامی ارتباطات مناسب و مفید به مثابه ارتباط انسان با خدا با خلق با خود خانواده جامعه و حتی روابط بین الملل توجه شده است و تمامی مسائل زندگی انسان تحت

پوشش ارزش های اخلاقی اسلام قرار دارد؛ و اخلاق و تربیت اخلاقی بدون اتکا به شناخت خداوند و ایمان به او چرخش در یک سری امور ذهنی و بی معنا است در آمریکا نیز بین مذهب و تربیت اخلاق ارتباط وجود دارد به طور مثال روش حزب محافظه کار با حزب لیبرال در آموزش اخلاقی بسیار متفاوت است حزب لیبرال اعتقادی به دخالت نظام آموزشی در امور دینی ندارد. در نتیجه به ارزش هایی چون آزادی فردی خود شکوفایی فردی در تربیت اخلاقی بی طرفی و تساهل نسبت به ارزش های دینی و در یک کلمه تحقق سکولاریسم تأکید دارد؛ و تربیت اخلاقی تنها باید درصدد رشد استدلال اخلاقی و قدرت انتخاب باشد و هرگز به معرفی ارزش های معینی به عنوان فضایل اخلاقی نپردازد؛ اما در کشور چین همان طور که گفته شد تربیت اخلاقی برگرفته از آیین کنفوسیوس و کمونیست است اخلاق در عقیده کمونیست امری نسبی بوده و در حقیقت انعکاس اسباب تولید است

روش پژوهش

پژوهش مورد نظر به صورت مروری و همچنین استفاده از ابزاری همچون منابع کتابخانه و منابع مکتوب و پرسشنامه و مصاحبه نیز در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته است که از صاحب نظران و متخصصان حوزه اخلاق و تربیت نظرخواهی صورت گرفته است تا با بررسی مقالات معتبر علمی در پایگاه های معتبر علمی به این روش پژوهش مورد نظر انجام گرفته است.

نتیجه گیری

تربیت اخلاقی به عنوان یکی از مهم ترین شاخص های رشد در بهبود و ارتقا وضعیت کشورها بصورت ملموس در نظر گرفته نمی شود، اما با کمی تامل به این نتیجه دست یافتیم که اگرچه تربیت اخلاقی همچون رشد فرهنگی یا اقتصادی به صورت نمایان باعث رشد توسعه یافتگی نمی شود اما در ورای این جنبه فرهنگی و اقتصادی امر تربیت اخلاقی بسیار مشهود است و انکار دخیل بودن تربیت اخلاقی در رشد جنبه اقتصادی و فرهنگی ناممکن است پس تربیت اخلاقی به صورت غیرمستقیم تاثیر بسیار بسزایی بر توسعه یافتگی کشورها دارد. با توجه به آنچه از انجام این پژوهش حاصل شد می توان اشاره کرد در کشورهای پیشرفته امروزی بحث تربیت اخلاقی مطابق با فرهنگ و شرایط آن کشور به وجود آمده است و در واقع برای اجرای روش و الگو کشور توسعه یافته در کشور در حال توسعه بدون در نظر گیری سازوکارها و زیرساخت ها غیر ممکن است. برای ایجاد یک الگو که باعث توسعه یافتگی در کشور پیشرفته در زمینه تربیت اخلاقی شده است باید فرآیندی در این مسیر به سرانجام برسد که به طور خلاصه می توان به آن اشاره کرد: ۱. سنجش الگو و روش تربیت که قطعیت دارد، یعنی پایای و روایی آن قابل اتکا باشد یا آزمون پذیر باشد ۲. ایجاد کارگروه متشکل از افراد خبره در این زمینه ۳. تجزیه و تحلیل روش و یا الگو مورد نظر ۴.

دستیابی به علت موفقیت در این روش تربیت ۵. مطابق سازی برای پیشرفت با توجه به شرایط کشور مورد نظر در زمینه تاثیر تربیت اخلاقی و نقش اساسی آن بر توسعه یافتگی کشورهایی همچون ژاپن و چین در یک گروه، آمریکا و انگلستان در یک گروه و ایران و عربستان در یک گروه با توجه به مقایسات درون گروهی، مطالعه تطبیقی از نظر تربیت اخلاقی و نقش در توسعه با یکدیگر داشتند که ژاپن و چین به عنوان دو کشور توسعه یافته آسیای شرقی، آمریکا به عنوان کشور توسعه یافته از قاره آمریکا و انگلستان نیز به عنوان کشور توسعه یافته اروپا در نظر گرفته شد ف البته کشورهایی همچون کره جنوبی، فنلاند، لوکزامبورگ، مالزی نیز به عنوان کشورهای پیشرفته در حوزه آموزش و پرورش هستند اما با توجه به در نظر گیری تمام شاخص های توسعه یافتگی این کشورها انتخاب شدند. همچنین قابل ذکر است برای این پژوهش تطبیقی ایران و عربستان به عنوان دو کشور در حال توسعه که از لحاظ موازین تربیت اخلاقی شباهت دارند انتخاب شدند. در کل ایران و عربستان تربیت اخلاقی خود را بر حسب دین اسلام و تربیت اخلاقی اسلام بنا نهاده اند و در حال پیشبرد این هدف هستند و در این زمینه بسیار موفق و سرآمد هستند. در مورد چین و ژاپن که اخلاق و تربیت از اندیشه های کنفوسیوس و

کمونیسم نشأت می گیرد و در زمینه این مسیر توسعه یافتگی با در نظر گیری اخلاقی موثر بوده است. همچنین در کشور آمریکا با سابقه نچندان طولانی از لحاظ تمدن و انگلستان تربیت اخلاقی از لیبرال و مسیحیت سرچشمه می گیرد.

ایران و عربستان = اسلام = شکل گیری اخلاق
انگلیس و آمریکا = لیبرال و مسیحیت = اخلاق
ژاپن و چین = کنفوسیوس و کمونیسم = اخلاق

تفاوت در روشها و رویکردهای تربیت اخلاقی ناشی از تفاوت در پارادایم های مربوط به هر رویکرد است. کشورهای غربی به رغم اینکه فضایل اخلاقی در میان آنها کم رنگ و سست بنیان است اما کتاب های فراوانی درباره علم اخلاق و فلسفه اخلاق نگاشته اند به ویژه رشته فلسفه اخلاق در دانشگاه های آنها رشت های پرتعداد و پرجاذبه است و اخیراً نیز تحقیقات بسیار گسترده و مهمی در این زمینه انجام داده اند؛ با این وجود در حل مسائل فلسفه اخلاق توفیق چندانی نداشته ابهامات و سردرگمی های فراوانی در این مورد دارند ظهور مکاتب متعدد اخلاقی در میان آنها خود حکایت از آن دارد که هنوز به مبنایی استوار و محکم برای حل مسائل این رشته دست نیافته اند. از طرفی توجه بیش از اندازه به پیشرفت مادی و رفاه شخصی و لذت جویی حاکی از دور شدن آنان از باورهای اصیل دینی و اصول کلاسیک اخلاقی است. مثلاً قریب به اتفاق ثروت اندوزان بزرگ و قدرت مداران دنیا هیچ گونه پای بندی به اخلاق ندارند و محرک جنگها و آدم کشی ها و آوارگی ها و فقر و فلاکت های جمعیت کثیری از مردم دنیا هستند.

پیشنهادهای

۱. شروع تربیت اخلاقی از مقاطع پایین تر همچون ابتدایی به صورت تخصصی.
۲. انطباق الگوهای مناسب با شرایط مطلوب جهت ایجاد تربیت اخلاقی در فراگیران
۳. استفاده از ابزار و امکانات روز دنیا در جهت آموزش و پرورش
۴. ایجاد بسترهای تربیتی در فضاهای خارج از مدارس برای فراگیران
۵. ترکیب سازی بازی و همراه با آموزه های اخلاقی برای کودکان سنین ابتدایی
۶. ترکیب سازی فعالیت های ورزشی و آموزشی با تربیت اخلاقی برای فراگیران بزرگسال
۷. استفاده از معلمان و مربیان با تجربه در کنار دانش آموزان جهت رفع ابهامات اخلاقی
۸. آگاه سازی فراگیران از آسیب های اخلاقی و اجتماعی
۹. ایجاد چالش توأم با رعایت تربیت اخلاق در کلاس های آموزشی

منابع و مراجع

۱. آزادمنش، سعید، و حسینی، افضل السادات. (۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی اهداف تربیت اخلاقی دوره ابتدایی در کشورهای ژاپن و ایران، با نظر به ارزش های حاکم بر برنامه درسی. اسلام و پژوهش های تربیتی
۲. امینی، طاهره و نائینی، محسن (۱۴۰۱) بررسی تطبیقی مبانی معرفت شناسی نفس از دیدگاه علامه طباطبایی و برگسون و دلالت آن در تربیت اخلاقی، فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۱۹ دوره ۱۰
۳. افسون، منوچهر و نوروزپور، زینب و کشوری، سعید (۱۴۰۱) مروری بر تربیت اخلاقی و برنامه درسی نظام تعلیم تربیت، ششمین کنفرانس بین المللی مطالعات بین رشته ای علوم بهداشتی، روانشناسی، مدیریت و علوم تربیتی
۴. اسماعیلی، هادی و صیف، محمد حسین (۱۴۰۰) مروری بر مبانی تعلیم و تربیت در پیشگیری از آسیب فرهنگی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۶، دوره ۳
۵. ابراهیمی، حسن و گل هاشم، میترا (۱۴۰۱) اثرگذاری سواد رسانه ای در تحقق ساحت تربیت اعتقادی و عبادی و اخلاقی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دومین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرآیندهای تعلیم و تربیت
۶. بحرانی، محمود (۱۳۹۹) کاستی های تربیت اخلاقی در نظام آموزش و پرورش با مرور تجربه کشورهای دیگر، پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات علوم اجتماعی ایران
۷. بالوی، مهدی و بیات، مهناز (۱۳۹۴) مبانی جامعه شناختی و اقتضات فرهنگی تکوین دولت در جامعه ایرانی، مجله مدیریت فرهنگ سازمانی، شماره ۱، دوره ۱۳
۸. حسین پور، رضا (۱۳۹۹) نقش و تاثیر مبانی نظری، فلسفی، دینی و سایر مطلوب ها در استاندارد سازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۴۷، دوره ۲۸
۹. خضرزاده، کوثر و خضرزاده، سمیه و حشمتی، خدیجه (۱۴۰۰) بررسی روش تربیتی تکریم شخصیت متربی در آیات و داستان های قرآنی، چهاردهمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی
۱۰. رستمی پور، امین (۱۴۰۱) بررسی چالش های پیش روی تربیت اخلاقی در مدارس ابتدایی، چهاردهمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، حقوق و مطالعات اجتماعی و روانشناسی
۱۱. زلّقی، علیرضا و بهمنی، امید و مشایخی پور، محمد مهدی (۱۴۰۰) مقایسه جایگاه معلم از لحاظ آموزشی و اقتصادی در سراسر جهان امروز، چهاردهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم اجتماعی و تربیتی
۱۲. زنگنه، سجاد و جهانبازی، اصغر (۱۴۰۱)، تربیت اخلاقی در مدارس، مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۴۲، دوره ۵
۱۳. عسکری، خدیجه و درخشانی، فرزانه و موسوی، مرضیه (۱۴۰۱)، جایگاه آموزش و پرورش در توسعه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، اولین کنگره و نمایشگاه بین المللی صنعت و سازه های نوین
۱۴. عقیلی، سیدرمضان، علم الهدی، جمیله، و فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۹۸). واکاوی اصول حاکم بر طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران. علوم تربیتی (مجله علوم تربیتی و روانشناسی)، ۶ (سال ۲۶)، ۱-۱۵.
۱۵. کیان مریم (۱۳۹۴) تبیین ابعاد تربیت کودک در نظام خانواده از دیدگاه اسلام فصلنامه اخلاق س، ۵، ش ۱۸، تابستان ۹۴، صفحات ۹ الی ۳۵
۱۶. کیان، مریم. (۱۳۹۶). جایگاه تربیت اخلاقی در فرهنگ آموزشی و برنامه درسی. کنفرانس بین المللی فرهنگ آسیب شناسی روانی و تربیت.
۱۷. صمدی، فاطمه و کریمی، زهرا (۱۴۰۰)، مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش پیش از دبستان ایران و نیوزلند، ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و آموزش و پرورش

۱۸. مرتضی زاده ، سجاد و عابدی ، مهدیه (۱۴۰۱) ، بررسی آموزش و پرورش فراگیر در ایران با نگاهی تطبیقی بر سایر کشورها ، دهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی
۱۹. مصدقی نیک، فاطمه، سلیمانپور، جواد، و جلالوندی، مهناز. (۱۳۹۹). بررسی میزان اثربخشی مولفه های رشد اخلاقی بر تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره متوسطه (مطالعه موردی: آموزش و پرورش استان مازندران). سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴(ویژه نامه)، ۵۵-۶۲ .
۲۰. مصباح یزدی محمدتقی (۱۳۹۴) اخلاق در قرآن تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۲۱. ملکی ، حسین . عباسپور ، عباس . بهشتی ، سعید (۱۳۹۶) مطالعه تطبیقی تربیت اخلاقی کشورهای ایران، چین و آمریکا در عصر معاصر در آموزش عالی ، پژوهش های اخلاقی ، س ۷ ، ش ۳
۲۲. محمودی مظفر، مجید. (۱۳۹۶). اثربخشی رویکرد تربیت اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش معلمان در فرایند تربیت اخلاقی دانش آموزان. روان شناسی تربیتی (روانشناسی و علوم تربیتی)، ۱۳(۴۵)، ۱۴۷-۱۶۲ .
۲۳. نصیری، فخرالسادات، ایزدی، معزی، شیرین، فلاحی احمد حسین و شمخانی از در. (۱۳۹۱) درونی کردن ارزشهای اسلامی از دیدگاه مربیان تربیتی نشریه مهندس فرهنگی سال ششم شماره ۵۷۵۸

۱. Deborah J. Erie, 2013. The Role of General Education in the Development of Ethical Reasoning in College Students: A Qualitative Study on the Faculty Perspective. University of Nebraska-Lincoln
۲. Huaijn , lu , Erin , kitt_lewis (2018) , A comparative reflection between American and Chinese nursing education , journa nurse education today , volume63,page 108-111
۳. KARIMI, ROHALLAH. (2016). "THE COMMUNITY OF ETHICAL INQUIRY" AS A NEW APPROACH IN MORAL EDUCATION. TAFAKKOR VA KUDAK (THINKING AND CHILDREN), 6(2), 63-98. SID.